

تحلیل منافع روسیه در منطقه قفقاز (مطالعه موردی: بحران قره‌باغ)

شهر روز ابراهیمی*

دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان

مصطفی خیری

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۵/۲۱)

چکیده

روسیه در پی بازیافتن جایگاه از دست‌رفته خود در نظام بین‌الملل است. از دید کرملین ظهور روسیه در نظام بین‌الملل، شکل‌گیری یکی از قطب‌های این نظام حول محور روسیه و ایجاد موازنه راهبردی در برابر غرب نیازمند گسترش نفوذ روسیه در حوزه خارج نزدیک و سرانجام ایجاد ساختارها و ترتیبات منطقه‌ای با رهبری این کشور است. بنابراین روسیه حضور نهادهای غربی در جمهوری‌های جداشده از اتحاد شوروی را تهدیدی برای امنیت و منافع ملی خود تصور می‌کند. نوشتار حاضر با هدف بررسی روش‌های سیاست خارجی روسیه در منطقه قفقاز و در رابطه با بحران قره‌باغ نوشته شده است. در اینجا این پرسش مطرح است که رویکرد سیاست خارجی روسیه در برابر بحران قره‌باغ چیست و دلیل‌های به‌کارگرفتن چنین رویکردی کدامند؟ در پاسخ به آن، این فرضیه مطرح شده است که روسیه بنا به دلایل سیاسی، نظامی و اقتصادی در پی تداوم وضع موجود در بحران قره‌باغ است. بر اساس یافته‌های نوشتار، طرف‌های درگیر در مناقشه قره‌باغ بر این موضوع واقفند که رضایت مسکو شرط لازم برای رسیدن به هرگونه توافق سیاسی مطلوب است. در نتیجه برای جلب رضایت کرملین مجبور هستند تا سیاست‌های کلان خود را با منافع کرملین در منطقه هماهنگ کنند یا اینکه دست‌کم رویکرد سیاست خارجی‌شان با منافع و هدف‌های روسیه در اوراسیا در تضاد نباشد. در این نوشتار تلاش شده است به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از چارچوب نظری ژئوپلیتیک، رویکرد سیاست خارجی روسیه در رابطه با بحران قره‌باغ بررسی شود.

کلیدواژه‌ها

ارمنستان، بحران قره‌باغ، جمهوری آذربایجان، روسیه، قفقاز.

* E-mail: sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

مقدمه

رویکرد سیاست خارجی روسیه در رابطه با کشورهای حوزه اوراسیا از جمله منطقه قفقاز جنوبی بازتابی از راهبرد کلان کرملین است. هدف اصلی آن بازیافت و حفظ هژمونی روسیه در حوزه اوراسیا است. ابزارهای کرملین در بازیافت جایگاه از دست‌رفته این کشور، دیپلماسی، فشار اقتصادی و اقدام‌های نظامی در صورت نیاز هستند. همان‌گونه که پوتین در سخنرانی خود در اوت ۲۰۱۴ در کریمه بیان داشت؛ کرملین خواستار شناسایی حوزه نفوذ روسیه در منطقه اوراسیا از سوی غرب است. به نظر می‌رسد هدف اصلی روسیه از حضور در منطقه، تأمین نفوذ سیاسی روسیه در قفقاز و دورکردن نهادهای غربی مانند ناتو و اتحادیه اروپا است. حال پرسش اینجاست که روسیه برای ارتقای نفوذ سیاسی خود و کم‌رنگ کردن حضور رقیبان در منطقه از چه ابزارهایی استفاده می‌کند؟ درگیری‌های حل‌نشده ابزاری در دست کرملین برای دورکردن نهادی غربی از مرزهای روسیه هستند. کشورهای غربی نیز نتوانستند با حل این درگیری‌ها از بهره‌برداری کرملین جلوگیری کنند. از دلایل اصلی ناکارآمدی سیاست غرب (اروپا و آمریکا)، نداشتن راهبرد مشخص در رابطه با منطقه قفقاز است.

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی هر سه کشور منطقه قفقاز درگیر بحران‌ها و درگیری‌هایی شدند که ثبات، همکاری و توسعه منطقه را به خطر انداخته و زمینه را برای حضور و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرده‌اند. درگیری‌های سرزمینی و تحولات اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه قفقاز جنوبی متأثر از روابط کشورهای منطقه با یکدیگر، رقابت‌های ژئوپلیتیک و رویکردهای متضاد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است که به دنبال به‌دست‌آوردن نفوذ در منطقه هستند. این وضعیت دشوار نیز موجب پیچیدگی بحران‌ها و درگیری‌هایی شده است. بنابراین بحران قره‌باغ که بزرگ‌ترین تهدید امنیتی در منطقه قفقاز است، منازعه سرزمینی صرف نیست؛ بلکه محل تلاقی منافع بازیگران خارجی نیز هست. این مناقشه بحرانی پیچیده و خطرناک در مقایسه با دیگر بحران‌های منطقه قفقاز است که موجب شکنندگی ثبات در منطقه شده است. از آن به‌عنوان مانعی اساسی در برابر همکاری‌ها و توسعه منطقه قفقاز یاد می‌شود. باوجود توافق‌نامه آتش‌بس سال ۱۹۹۴ نمی‌توان از آن با عنوان مناقشه فرسایشی یاد کرد؛ زیرا عملیات جنگی و آتش‌باری مواضع دو طرف در طول خط تماس ادامه دارد. پرسش اصلی نوشتار به نوع رویکرد سیاست خارجی روسیه در برابر بحران قره‌باغ و دلایل‌های به‌کارگرفتن چنین رویکردی اشاره دارد. در پاسخ به آن این مفروض مطرح شده است که روسیه بنا به دلایل سیاسی، نظامی و اقتصادی در پی تداوم وضع موجود در بحران قره‌باغ است. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی رویکرد سیاست خارجی روسیه را در بحران قره‌باغ بررسی می‌کنیم.

چارچوب نظری: واقع‌گرایی تدافعی

واقع‌گرایی نوکلاسیک که در واکنش به تقلیل‌گرایی نواقع‌گرایی و تأکید بیش از حد آن‌ها بر ساختار نظام بین‌الملل ارائه شد به دنبال تلفیق واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی است. نوکلاسیک‌ها در کنار توجه به عوامل سطح ساختار به برداشت‌های ذهنی رهبران و تصمیم‌گیرندگان و ساختارهای داخلی دولت‌ها نیز توجه می‌کنند. بر اساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر، نوکلاسیک‌ها را می‌توان در دو دسته تدافعی و تهاجمی قرار داد. استفن والت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اندیشمندان واقع‌گرایی تدافعی با بازنگری نظریه موازنه قوا، نظریه موازنه تهدید را مطرح ساخت. بنابر فرضیه موازنه تهدید، موازنه‌سازی فقط در برابر قدرت برتر شکل نمی‌گیرد، بلکه آن قدرت باید تهدیدکننده نیز باشد. کشورها نه در برابر قدرت، بلکه در برابر کشورهای موازنه ایجاد می‌کنند که برای آن‌ها به شکل خاصی خطرناک جلوه می‌کنند (Walt, 1987: 21).

برای درک میزان و درجه تهدید باید عواملی مانند قدرت عمومی، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت و رفتار تهدیدآمیز منشأ تهدیدزا در نظر گرفته شوند. قدرت عمومی همان مجموع منابع کشور است. کشوری که منابع بیشتری داشته باشد، می‌تواند تهدید جدی‌تری از کشوری که منابع کمتری دارد، مطرح سازد. کشورهای نزدیک معمولاً تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. ظرفیت تهدیدزایی با فاصله جغرافیایی نسبت معکوس دارد. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدیدکردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوزپیشینه تصور شوند، احتمال بیشتری دارد که موجب ایجاد توازن شوند تا دولت‌های دیگر. مفاهیم دنباله‌روی و موازنه، دو مفهوم مهم در این نظریه هستند. دولت‌ها در مقابل تهدیدها یا اقدام به موازنه می‌کنند یا دنباله‌روی از قدرت بزرگ را انتخاب می‌کنند. والت معتقد است، هرچه دولتی قوی‌تر باشد در مقابله با تهدیدها، بیشتر گرایش به برقراری توازن و ائتلاف با دیگر دولت‌ها خواهد داشت. در مقابل دولت‌های ضعیف‌تر بیشتر تمایل به دنباله‌روی دارند تا ائتلاف. از دید والت، موازنه تنها به معنی اتحاد با دیگر دولت‌ها و یا موازنه‌سازی درونی و تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت از جمله تقویت توان نظامی نیست؛ بلکه موازنه را می‌توان هر نوع راهبرد دولتی دانست که هدف آن کاهش تهدید از راه تقویت وضعیت امنیتی دولت تهدیدشده در ارتباط با متجاوز است (Bock and Henneberg, 2013).

موقعیت ژئوپلیتیک منطقه قفقاز

قفقاز به علت موقعیت ژئوپلیتیک خود اهمیت حیاتی دارد. این منطقه نه تنها محور ارتباطی بین شمال- جنوب و غرب - شرق است؛ بلکه در همسایگی کشورهای بزرگ ایران، روسیه و

ترکیه واقع شده است و یکی از محورهای اصلی دسترسی به دریای خزر، دریای سیاه و آسیای مرکزی است. با توجه به نقش ژئواکونومیکی فزاینده منطقه می‌توان اهمیت راهبردی قفقاز به‌عنوان یک گذرگاه خشکی را با گذرگاه‌های آبی سوئز،^۱ پاناما،^۲ مالاکا^۳ و هرمز قابل مقایسه دانست (Cornell and Others, 2015: 14). رویدادهای بیست سال اخیر را نیز می‌توان به‌نوعی اثبات تجربی فرضیه گذرگاه بودن قفقاز دانست. منابع هیدروکربنی دریای خزر و عبور آن از مسیر قفقاز به بازارهای جهانی ضمن تحکیم استقلال و حاکمیت ملی این جمهوری‌ها، سلطه انحصاری کرملین بر مسیرهای عبوری انرژی را درهم شکست و به کاهش وابستگی غرب به روسیه انجامید. راهروی قفقاز نقش مهمی در تنوع‌بخشیدن به منابع انرژی مصرفی اروپا دارد. سرمایه‌گذاری غرب در بخش نفت و گاز جمهوری آذربایجان و تلاش برای عبور منابع نفت و گاز خزر در مسیر شرق به غرب و با کنار گذاشتن ایران و روسیه بیانگر اهمیت منطقه قفقاز در راهبرد اروپا و آمریکا است.

امروزه قفقاز یکی از مسیرهای اصلی در حال ظهور تجارت بین‌قاره‌ای است. مسیری که از چین شروع شده است و پس از عبور از کشورهایمانند هند به اروپا می‌رسد. این مسیر بیشتر خشکی ارزان‌تر از حمل‌ونقل هوایی و سریع‌تر از حمل‌ونقل دریایی است. گذرگاه شمال - جنوب که کشورهایمانند هند، پاکستان و ایران را به روسیه و شمال اروپا وصل می‌کند نیز از قفقاز عبور می‌کند. در زمینه تقویت این مسیر و زیرساخت‌های موجود به‌تازگی توافق‌ها و همکاری‌هایی میان سه کشور ایران و جمهوری آذربایجان و روسیه صورت گرفته است. بی‌ثباتی‌ها و درگیری‌های موجود در منطقه نه تنها موجب نگرانی شرکت‌های غربی و منطقه‌ای فعال در بخش نفت و گاز شده است؛ بلکه منافع چین و هند را در امر تجارت بین غرب و شرق در تأثیر قرار خواهد داد. در مجموع مسائل امنیتی بر اعتبار این مسیر تأثیر منفی گذاشته است.

رویکرد سیاست خارجی روسیه در رابطه با منطقه قفقاز

سه اصل اساسی تثبیت نقش روسیه به‌عنوان عرضه‌کننده انرژی، ایجاد و حمایت از رژیم‌های مشابه با رژیم سیاسی حاکم در کرملین و تأمین امنیت در امتداد مرزهای روسیه راهنمای رویکرد سیاست خارجی کرملین در رابطه با همسایگانش هستند (Sonnleitner, 2016: 84). روسیه به دنبال بهره‌برداری از اهرم انرژی برای ارتقای موقعیت خود در معادلات بین‌المللی است. بودجه ملی و در کل اقتصاد این کشور وابسته به استخراج و صدور منابع هیدروکربنی است. هرگونه اختلال در این نقش، تهدیدی بر امنیت و منافع ملی روسیه به شمار می‌آید.

1. Suez
2. Panama
3. Malacca

تلاش کرملین برای جلوگیری از اجرایی شدن راهروی انرژی جنوبی که منابع انرژی خزر را از راه قفقاز و خارج از سرزمین روسیه به بازارهای مقصد روسیه یعنی اروپا می‌رساند و پیشنهاد مسیر دریایی جریان جنوبی که هدف آن انتقال منابع هیدروکربنی روسیه به بازارهای اروپایی است در این چارچوب درخور ارزیابی است.

حاکمان کرملین نمی‌توانند شکل‌گیری نظام‌های سیاسی دمکراتیک و حتی مرفه‌تر از روسیه را در مجاورت مرزهای خود تحمل کنند؛ زیرا گسترش مدل دمکراتیک کشورداری در امتداد مرزهای روسیه می‌تواند تهدیدکننده ثبات و امنیت رژیم سیاسی موجود در مسکو باشد (De Maio, 2016: 8) و همواره این احتمال وجود دارد که رویه مملکت‌داری و نظام سیاسی این کشور از سوی مردم روسیه مورد سؤال قرار گیرد. عضویت هر یک کشورهای حوزه خارج نزدیک در اتحادیه اروپا نه تنها تلاش‌های روسیه برای به کنترل درآوردن آن‌ها را ناکام خواهد گذاشت؛ بلکه این خطر وجود دارد که با انجام اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا این کشورها برای دیگر کشورهای بخش اروپایی روسیه نقش مدل را بازی کنند و مشروعیت حکومت پوتین را به خطر اندازند (Menkiszak, 2016: 4). پوتین معتقد است که غرب به دنبال تغییر نظام سیاسی روسیه است (Dibb, 2016: 7). کرملین اتحادیه اروپا را نهادی می‌بیند که نه تنها منافع بلکه حیات این کشور را نیز تهدید می‌کند (Cornell, 2016: xii)؛ بنابراین این کشور تلاش دارد از تحکیم دمکراسی در همسایگی خود جلوگیری کند.

حضور اتحادیه اروپا در مجاورت مرزهای روسیه می‌تواند با محدود کردن دامنه نفوذ روسیه، تلاش کرملین برای به دست آوردن نفوذ و قدرت در عرصه بین‌المللی را به چالش بکشد. روسیه گسترش نهادهای غربی به سمت مرزهای خود را مانعی بر سر راه بازگرداندن نفوذ خود بر منطقه اوراسیا می‌داند (Vosooghi and Kheiri, 2016: 142). در مقابل برنامه مشارکت شرقی اتحادیه اروپا سرگئی لاوروف^۱، وزیر خارجه روسیه می‌پرسد، «اگر هدف برنامه مشارکت شرقی گسترش حوزه نفوذ اتحادیه اروپا نیست پس چیست؟» (Cornell, 2016: 100) گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به طرف مرزهای روسیه و حمایت از به حاکمیت رسیدن رژیم‌های طرفدار غرب در عمل، به افزایش استعداد انزوای سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور در اروپا منجر شده و واقعیت محاصره روسیه را متجلی ساخته است (Deheshiar, 2015: 196). در سند «راهبرد سیاست خارجی»^۲ جدید روسیه که در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ پوتین آن را تأیید کرد؛ بر ارتقای موقعیت روسیه در نظام بین‌الملل تأکید شده است. در این سند آمده است: «فدراسیون روسیه نسبت به گسترش ناتو، نزدیکی

1. Sergei Lavrov
2. Foreign Policy Concept

زیرساخت‌های اتحاد آتلانتیک شمالی به مرزهای روسیه و گسترش اقدام‌های نظامی آن در مناطق مرزی روسیه نگرش منفی دارد». در مقابل بر ایجاد ترتیبات منطقه‌ای با همکاری روسیه و کشورهای منطقه تأکید می‌شود. توسعه همکاری دوجانبه و چندجانبه با دولت‌های عضو جامعه کشورهای مستقل هم‌سود^۱ و تحکیم بیشتر ساختارهای همگرایی فعال در حوزه جامعه کشورهای مستقل هم‌سود همراه با مشارکت روسیه، از برنامه‌های اولویت‌دار در سیاست خارجی فدراسیون روسیه است» (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2016).

تداوم بحران قره‌باغ و منافع روسیه

کرم‌لین به این نتیجه رسیده است که رویارویی با غرب در حوزه اوراسیا منافع بیشتری برای کرم‌لین دارد تا همکاری با غرب در این حوزه (McCabe, 2017: 64). به نظر می‌رسد تداوم بحران قره‌باغ برای کرم‌لین این منافع را داشته باشد:

الف) منافع اقتصادی روسیه

با گذشت بیش از ۲۵ سال از استقلال کشورهای منطقه، آن‌ها هنوز سنگینی سایه کرم‌لین را بر روی خود را احساس می‌کنند. در این میان در اثر محاصره اقتصادی باکو و آنکارا، ایروان مجبور شده است روابط اقتصادی خود را با شریک اقتصادی اصلی‌اش یعنی روسیه تقویت کند. سهم عمومی روسیه در اقتصاد ارمنستان ۸۲ درصد است (Statistical Yearbook of Armenia, 2015). وابستگی اقتصاد ارمنستان به روسیه در بخش‌های مختلف شایان توجه است. برای نمونه روسیه ۸۰ درصد زیرساخت‌های انرژی ارمنستان را در اختیار دارد. همچنین ۷۰ درصد ذخایر بانکی این کشور را در کنترل خود دارد (Balakishi, 2016). از نظر اقتصادی ارمنستان کشوری وابسته به روسیه است. خطوط هوایی، صنایع شیمیایی، بخش ارتباطات و زیرساخت‌های عرضه انرژی در اختیار شرکت‌های روسی است. انزوای ژئوپلیتیک ارمنستان به وسیله جمهوری آذربایجان و متحد اصلی آن یعنی ترکیه و کنار گذاشته شدن ایروان از طرح‌های اقتصادی بزرگ منطقه مانند خطوط لوله نفت و گاز و یا طرح راه آهن باکو،^۲ تفلیس،^۳ ارزروم^۴ به سبب مناقشه قره‌باغ، وابستگی ایروان به کرم‌لین را در پی داشته است. از مسئله انزوای ارمنستان و جنگ آن با جمهوری آذربایجان روسیه سود می‌برد؛ بنابراین هدف اصلی کرم‌لین حفظ وضع موجود است» (Sonnleitner, 2016: 85).

1. CIS
2. Baku
3. Tbilisi
4. Erzurum

وابستگی این کشور به روسیه سبب شده است ایروان در عرصه سیاست خارجی توان مانور چندانی نداشته باشد.

به نظر می‌رسد کرملین مصمم است با استفاده از حساسیت جمهوری آذربایجان در رابطه با مسئله قره‌باغ باکو را به جذب در ترتیبات منطقه‌ای با رهبری خود مانند سازمان پیمان امنیت جمعی^۱ و اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ ترغیب کند. سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در دیدار با همتای آذربایجانی خود در ۶ آوریل ۲۰۱۶ بیان کرد: «در سایه مسئله قره‌باغ، پیوستن جمهوری آذربایجان به سازمان‌های در رهبری کرملین به سود این کشور خواهد بود» (Abrahamyan, 2016). یکپارچه‌شدن جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی از جمله جمهوری آذربایجان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نه تنها سبب وابستگی اقتصادی آن‌ها به روسیه می‌شود؛ بلکه به این وابستگی‌ها مشروعیت نیز می‌بخشد (Kubayeva, 2015: 3) و می‌تواند ابزاری برای به‌کارگرفتن قدرت کرملین بر دیگر اعضا باشد. از سوی دیگر کرملین اتحادیه اقتصادی اوراسیا را یک طرح فقط اقتصادی نمی‌داند؛ بلکه آن را بخش اصلی راهبرد ژئوپلیتیکی رویارویی با غرب می‌داند. چنانچه این اتحادیه اقتصادی به رهبری روسیه شکل بگیرد و تداوم بیابد، با این احتمال که رهبر دیگری جز روسیه برای آن متصور نیست، رقبای منطقه‌ای و فرماندهان نخواهند توانست به جایگاه روسیه در اوراسیا خدشه‌ای وارد کنند (Mirfakhraee, 2016: 159). سرانجام این اتحادیه اقتصادی سلطه اقتصادی و سیاسی روسیه را بر منطقه تسهیل کرده است و مانعی در برابر توسعه روابط غرب با کشورهای عضو خواهد بود (Crisis Group, 2016: 1). هرچند باکو هنوز به عضویت این اتحادیه در نیامده است؛ ولی به‌عنوان ناظر در نشست‌های آن شرکت می‌کند و این احتمال وجود دارد که جمهوری آذربایجان با به‌دست‌آوردن برخی امتیازها در رابطه با قره‌باغ به عضویت این اتحادیه درآید. حتی اگر چنین اتفاقی در آینده روی ندهد دست‌کم کرملین توانسته است با استفاده از اهرم قره‌باغ از یکپارچگی اقتصادی جمهوری آذربایجان در گروه‌بندی غرب، رقیب طرح اتحادیه اقتصادی اوراسیا، جلوگیری کند.

روسیه در پی در کنترل درآوردن راهروی انرژی موجود در منطقه قفقاز برای به‌دست‌آوردن منافع اقتصادی و سیاسی است (Burak Gonca, 2016: 3). طرح‌های انرژی که باکو آن‌ها را تکمیل کرده است یا در حال پی‌گیری است نه تنها در مسیر شرقی - غربی و به دور از قلمرو روسیه هستند؛ بلکه بازار هدف آن‌ها نیز همان بازارهای غربی است که مقصد نفت و گاز روسیه است. این طرح‌ها در واقع با دستور کار انرژی روسیه منافات ندارند. کرملین بر این باور است که جمهوری آذربایجان با حمایت غرب به راهروی انتقال منابع گازی ترکمنستان و قزاقستان

1. Eurasian Economic Union (EEU)

2. Collective Security Treaty Organization (CSTO)

نیز تبدیل خواهد شد (Strimbovski, 2016: 125) و وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به قلمرو و مسیرهای حمل و نقل روسیه از میزان کنونی هم کاهش خواهد یافت؛ بنابراین تداوم مناقشه قره‌باغ می‌تواند به ناامنی مسیر جمهوری آذربایجان و سرانجام انصراف کشورهای شرق خزر به انتقال منابع هیدروکربنی از مسیر جمهوری آذربایجان منجر شود. از سوی دیگر طرح‌های مورد نظر باکو سبب کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به منابع هیدروکربنی روسیه شده است و به تحکیم موقعیت تفلیس و حاکمان غرب‌گرای آن نیز کمک می‌کند. برای نمونه طرح‌های گازی تاپ^۱ و تاناپ^۲ که طرح‌هایی اساسی برای تنوع‌بخشی به منابع تأمین گاز اتحادیه اروپا به‌شمار می‌روند، رقیب و تهدیدی جدی برای طرح خطوط جریان ترکی^۳ هستند که روسیه پیگیری می‌کند (Henderson and Mitrova, 2015: 62). به این ترتیب عقیم‌گذاشتن طرح‌های انرژی مورد نظر کشورهای غربی و جلوگیری از تعمیق روابط باکو - تفلیس در راستای منافع روسیه است و به‌نظر می‌رسد که بهترین ابزار برای انجام این کار مناقشه قره‌باغ است.

ب) منافع سیاسی روسیه

روسیه و اتحادیه اروپا در رویارویی ژئوپلیتیک به‌دنبال گسترش حوزه نفوذ در منطقه قفقاز و اوراسیا هستند. کرملین این مناطق را حیاط‌خلوت و حوزه نفوذ انحصاری خود می‌داند (Koolae and Allahmoradi, 2012: 36) و نفوذ در حوزه اوراسیا را لازمه بازیگری در عرصه بین‌المللی می‌داند. با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک منطقه قفقاز، این کشور حضور بازیگران خارجی از جمله غرب را به‌منزله تهدیدی بر امنیت و منافع ملی خود می‌داند. رویکرد سیاست خارجی روسیه در رابطه با منطقه قفقاز جلوگیری از اجرای برنامه مشارکت شرقی^۴ اتحادیه اروپا است. هدف این برنامه کمک به کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی پیشین مانند جمهوری آذربایجان و ارمنستان است تا بتوانند برنامه‌های اصلاحی خود را انجام دهند و به ثبات اقتصادی و سیاسی دست یابند. بنابراین کشورهای منطقه مجبور به انتخاب یکی از این دو هستند (Boonstra, 2015: 6). ایروان اتحاد با روسیه و تفلیس نیز حرکت به سمت نهادهای غربی را انتخاب کرده‌اند. امروزه کرملین تضمین‌کننده امنیت ارمنستان به بهای محدود کردن حق حاکمیت این کشور است (Cornell and Others, 2015: 30). تداوم بحران قره‌باغ و تهدید جمهوری آذربایجان به استفاده از توانمندی‌های نظامی برای آزادسازی اراضی اشغالی، ارمنستان را در کنار و وابسته به روسیه نگه داشته است (Sonnleitner, 2016: 91). در نتیجه

1. Tap
2. Tanap
3. Turkish Stream
4. The EU's Eastern Partnership

ارمنستان را می‌توان کشوری مهم در توسعه نفوذ روسیه در منطقه یاد کرد. بحران قره‌باغ و به دنبال آن بستن مرزهای بین ارمنستان و ترکیه توسط آنکارا به تعمیق دشمنی میان آنکارا و ایروان دامن زده و در رقابت ژئوپلیتیک بین روسیه و ترکیه به سود روسیه عمل کرده است و مانعی جدی برای نفوذ ترکیه در قفقاز بوده است.

ذخایر غنی نفت و گاز جمهوری آذربایجان موجب شده است این کشور در برابر بازیگران خارجی استقلال عمل نسبی داشته باشد. به همین دلیل روسیه در این کشور نفوذ کمتری دارد. جمهوری آذربایجان در طول دو دهه اخیر، راهبرد تحریک‌نکردن همسایه روس خود را به خوبی اثبات کرده است. حمایت روسیه از مواضع جمهوری آذربایجان و رسیدن به توافقی که مطلوب جمهوری آذربایجان باشد، مشوق خوبی برای توسعه روابط باکو - مسکو خواهد بود. مقام‌های کرملین نیز بر تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان تأکید می‌کنند و تشابهی بین بحران قره‌باغ با مناطق جدایی طلب گرجستان یا شبه جزیره کرملین نمی‌بینند. علت اینکه روسیه از برقراری رابطه با دولت خودخوانده قره‌باغ جلوگیری می‌کند به اهمیت باکو به عنوان شریک راهبردی روسیه بر می‌گردد. باکو نه تنها روابط نظامی و اقتصادی گسترده‌ای با کرملین دارد؛ بلکه در سال ۲۰۱۳ از امضای توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا خودداری کرد که رقیب طرح اتحادیه اوراسیای مورد نظر روسیه است. در واقع ترس جمهوری آذربایجان از بازی روسیه با کارت وضعیت سیاسی قره‌باغ موجب شده است که جمهوری آذربایجان همکاری‌های خود با روسیه را گسترش دهد و تمایلی به حضور نهادهای غربی در جمهوری آذربایجان نداشته باشد.

تداوم بحران قره‌باغ شیوه اقتدارگرایانه شوررداری را در هر دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان تقویت کرده است. براساس گزارش خانه آزادی، شاخص آزادی در جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با سال ۲۰۱۴ کاهش یافته است (Freedom House, 2016). این مسئله مانعی در برابر روابط اتحادیه اروپا و این کشورها است. کاهش سطح روابط در جمهوری آذربایجان بیشتر نمایان است؛ زیرا خودداری اتحادیه اروپا در به کارگرفتن مواضع شفاف در رابطه با مسئله قره‌باغ به اعتبار این اتحادیه در جمهوری آذربایجان لطمه زده است. مقام‌های آذربایجان بارها این اتحادیه را به سیاست یک بام و دو هوا متهم کرده‌اند.

به این ترتیب به نظر می‌رسد درگیری‌های حل نشده در اوراسیا در واقع ابزاری مهم برای کرملین به شمار می‌روند که ضمن حفظ نفوذ هژمونیک کرملین در این مناطق، زمینه تأثیرگذاری کرملین در تحولات سیاسی داخلی کشورها را نیز فراهم می‌کنند (Schumacher, 2016: 4). در مه ۲۰۱۳ سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، ضمن زشت شمردن این ایده که روسیه از بحران‌ها و درگیری‌های حوزه اوراسیا استفاده ابزاری می‌کند و تمایلی به

حل این بحران‌ها از جمله بحران قره‌باغ ندارد اظهار داشت: «وضعیت سیاسی به‌طور حتم برای هر کسی پذیرفتنی نیست. به‌ویژه برای کسانی که در جمهوری آذربایجان، ارمنستان و قره‌باغ زندگی می‌کنند و من به این مورد به‌شکل کامل باور دارم. وضعیت به این معنی است که نه تنها مسئله تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان حل نشده است، مسئله محاصره اقتصادی ارمنستان نیز حل نشده باقی مانده است؛ بنابراین نیازی نیست که کسی را متقاعد کنیم که وضعیت غیرقابل قبول است... وضعیت برای فدراسیون روسیه نیز غیرقابل قبول است» (Lavrov, 2013).

ج) منافع نظامی و امنیتی روسیه

در دسامبر ۲۰۱۵ کرملین سند راهبرد امنیت ملی^۱ جدید روسیه را منتشر کرد که جایگزین سند سال ۲۰۰۹ شد. در این سند ضمن تأکید بر اعتبار روسیه، تبدیل این کشور به یکی از قدرت‌های برتر بین‌المللی در راستای منافع بنیادین و درازمدت روسیه ترسیم شده و گسترش ناتو به سوی مرزهای روسیه و انقلاب‌های رنگی تهدیدی بر امنیت روسیه معرفی شده است (Oliker, 2016: 3). یعنی به باور روس‌ها غرب منشأ تهدید منافع و امنیت ملی این کشور است. در این سند جهت‌گیری‌های غرب در تقابل با فرایندهای همگرایی در منطقه بوده و موجب ایجاد کانون‌های تنش در منطقه اوراسیا شده است. به این ترتیب بر تحقق منافع ملی روسیه تأثیر منفی داشته است. از نگاه کرملین عامل تعیین‌کننده در روابط با ناتو، پذیرفته‌نبودن افزایش فعالیت نظامی ناتو و پیشروی زیرساخت‌های نظامی آن به سوی مرزهای روسیه، ایجاد سامانه دفاع موشکی و تلاش برای توانمندسازی این سازمان در عرصه جهانی است.

کرملین برای دورکردن ناتو از منطقه و رویارویی با تهدیدهای آن در پی ایجاد تأسیسات و حضور نظامی در جمهوری‌های پیرامون روسیه به‌ویژه ارمنستان است. سیستم دفاع هوایی مشترک روسیه و ارمنستان در واقع هدف مواجهه با تهدیدهای احتمالی ناتو و کشورهای عضو مانند ترکیه است. «ارتش روسیه در این کشور دو پایگاه نظامی دارد و بی‌شک قدرت مسلط در سیاست ارمنستان است» (Sonnleitner, 2016: 85). نیروهای روسی مرزهای ارمنستان با ایران و ترکیه را محافظت می‌کنند و پایگاه نظامی روسیه در شهر گومری^۲ ارمنستان از بزرگ‌ترین پایگاه‌های روسی در خارج از این کشور هستند. وجود نظامیان و پایگاه‌های روسیه و وابستگی نظامی ارمنستان به روسیه سازوکاری را در اختیار کرملین قرار داده است که به‌واسطه آن روسیه توانسته است امکان مانور ارمنستان را بگیرد. ایروان را

1. National Security Strategy
2. Gyumri

متعهد به کرملین نگه دارد. از چرخش ایروان به سوی ساختارهای غربی جلوگیری کند. انصراف ارمنستان از امضای توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا در این چارچوب تحلیل می‌شود. بعد از گفت‌وگوهای طولانی ارمنستان با اتحادیه اروپا در رابطه با امضای توافق‌نامه همکاری، ارمنستان در سال ۲۰۱۳ ناگهان اعلام کرد که می‌خواهد به اتحادیه اوراسیا بپیوندد. در این سال روسیه با استفاده از سازوکارهای امنیتی، ارمنستان را از امضای توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا منصرف کرد (Crisis Group, 2016: 5). تصمیم ناگهانی ارمنستان در امضا نکردن توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا و نادیده گرفتن سال‌ها تلاش سخت دیپلمات‌ها و حکومت این کشور دلیلی است بر اینکه ارمنستان سیاست خارجی مستقلی ندارد و متأثر از رویکردهای کرملین است. سرکیسیان^۱ در توجیه اقدام‌های خود و در کنفرانسی خبری اعلام کرد: وقتی شما بخشی از یک سیستم نظامی و امنیتی هستید، جدایی شما از گروه‌بندی اقتصادی هم‌سو با آن سیستم امنیتی غیرممکن و غیرکارآمد خواهد بود (Mammadov, 2016: 162).

هرچند ابزارهای به‌کارگیری نفوذ روسیه بر جمهوری آذربایجان در مقایسه با ارمنستان محدود است؛ ولی این کشور برای دریافت تجهیزات نظامی پیشرفته و انتقال تکنولوژی نظامی نیازمند همکاری کرملین است؛ زیرا دولت‌های غربی به واسطه بحران قره‌باغ هر دو طرف مناقشه را تحریم تسلیحاتی کرده‌اند. ۸۵ درصد از تجهیزات نظامی خریداری‌شده جمهوری آذربایجان روسی هستند (Kuchins and Others, 2016: 15). عرضه تسلیحات نظامی پیشرفته روسی به هر دو طرف منازعه نشان می‌دهد که کرملین تمایلی به حل بحران ندارد (Romashov and Rytovuori-Apunen, 2017: 2) و این پیشینه تسلیحاتی به نفع روسیه است. کرملین در برابر تحویل تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای مانند موشک‌های اسکندر به ایروان که می‌تواند تأسیسات نفتی و هدف‌های دیگری را در عمق جمهوری آذربایجان هدف قرار دهند، به باکو سیستم دفاع هوایی می‌فروشد. فروش چندین میلیارد دلار سلاح به جمهوری آذربایجان یکی از اهرم‌های به‌کارگرفتن نفوذ روسیه بر ارمنستان است تا بتواند با دامن‌زدن به نگرانی‌های امنیتی ارمنستان از مسئله مسلح کردن جمهوری آذربایجان، ایروان را به خود وابسته نگه دارد (Kasapoglu, 2016: 2).

در چند سال اخیر و با بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی موجود در بستر دریای خزر باکو توانسته است توان نظامی خود را ارتقا بخشد و موازنه قوا به سود باکو بهم خورده است. در سایه درآمدهای نفت و گاز مخارج نظامی این کشور در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ بیش از بیست برابر افزایش یافته است. به‌شکلی که امروزه بودجه نظامی جمهوری آذربایجان به تنهایی بیش از دو برابر کل بودجه دولتی ارمنستان است (Hedenskog and Korkmaz, 2016). این مسئله

می‌تواند فشار بر روی ارمنستان برای آشتی را بیشتر کند. ولی کرملین برای تداوم هرچه بیشتر بحران و نرمش نشان‌ندادن ارمنستان، تسلیحات نظامی پیشرفته خود را با قیمت پایین‌تر و حتی در برخی نمونه‌ها بدون پرداخت هزینه‌ای در اختیار ارمنستان قرار می‌دهد. به این وسیله از بهم خوردن هرچه بیشتر توازن قوا به سود جمهوری آذربایجان جلوگیری کند؛ بنابراین می‌توان دریافت منافع روسیه در تداوم بحران است؛ زیرا در این صورت است که می‌تواند سلطه خود را بر منطقه قفقاز اعمال کند (Babayan and Risse, 2015: 449, Blank, 2014: 170). در سال‌های اخیر روابط باکو - مسکو رو به بهبود بوده است. برخی‌ها پیروزی اخیر جمهوری آذربایجان در جنگ آوریل ۲۰۱۶ را از دستاوردهای نزدیکی جمهوری آذربایجان با روسیه می‌دانند (Jarosiewicz, 2016: 1). در چارچوبی گسترده‌تر، به نظر می‌رسد که جنگ چهارروزه جمهوری آذربایجان و ارمنستان در آوریل ۲۰۱۶ نشانه آغاز بازی جدیدی در رابطه با بحران قره‌باغ است که به وسیله کرملین شروع شد و بیشتر به منافع جمهوری آذربایجان خدمت می‌کند تا ارمنستان.

بحران اوکراین و تأثیر آن بر مواضع روسیه در برابر بحران قره‌باغ

بحران اوکراین که در اوایل سال ۲۰۱۴ به اوج خود رسید، پایانی بر نظم پسا جنگ سرد در اروپا به‌شمار می‌رود. آنچه برای غرب در تحولات اوکراین اهمیت دارد؛ افزون بر جنبه‌های اعتباری حمایت از دموکراسی خواهی، جایگزینی مجموعه‌ای از رژیم‌های بی‌ثبات ناکارآمد با رژیم‌هایی است که از پوشش دموکراسی برخوردار بوده‌اند و بتوانند الگویی از تغییرهای سیاسی در اوراسیا باشند (Daneshnia and Marabi, 2016: 241). در نتیجه این مناقشه اعتماد نسبی بین غرب و روسیه که در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ وجود داشت به شکل اساسی از میان رفته و روابط جنبه رقابتی و حتی تضادآمیز به خود گرفته است. در اصل روابط امروزی غرب و روسیه به روابط اتحاد شوروی و غرب در دوران جنگ سرد و یا روابط روسیه و بریتانیا در دوران بازی بزرگ شبیه هستند. حتی برخی تحلیل‌گران آن را به‌نوعی برگشت به جنگ سرد می‌دانند (Karamzadi and Khansari-fard, 2015: 155). رهبران کرملین تحولات اوکراین را تنها بخشی از توطئه غرب برای تضعیف امنیت روسیه با ایجاد دشمنان ایدئولوژیک در امتداد مرزهای این کشور می‌دانند (Dehghani Firouzabadi and Moradi, 2016: 47). در نتیجه کرملین برای حمایت از منافع حیاتی خود قدم‌های رو به جلو برداشته است.

تأثیرپذیری دیگر کشورها و قلمروهای جغرافیایی از جمله قفقاز از این مناقشه نشانه خروج این بحران از چارچوب جغرافیایی خود و تشدید رویارویی روسیه و غرب برای هژمونی بر اوراسیا است. بحران اوکراین و مداخلات نظامی روسیه ضمن ایجاد شکاف بین

طرح اتحادیه اوراسیایی و برنامه مشارکت شرقی اتحادیه اروپا موجب تغییراتی در رویکرد سیاست خارجی روسیه شده است. کرملین توجه خود را به شرق تغییر داده است. گسترش رابطه با چین و توافق‌نامه گازی امضا شده با این کشور در این چارچوب ارزیابی می‌شود. موضوع مهم دیگر اینکه کرملین بر طرح‌های اوراسیایی که هدف مقابله با نفوذ فزاینده غرب و پیشروی‌های ناتو و اتحادیه اروپا در خارج نزدیک از جمله منطقه قفقاز را در نظر دارد سرعت بیشتری بخشیده است. برای نمونه بحران اوکراین، روسیه را به جذب هرچه سریع‌تر ارمنستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ترغیب کرد (Trenin, 2014: 17).

تلاش برای پیوستن کشورهای دیگری از قلمرو خارج نزدیک از جمله جمهوری آذربایجان به این اتحادیه از دیگر اقدام‌های کرملین برای اتحاد جمهوری‌های جدا شده از اتحاد شوروی است. در سایه دستاوردهای اخیر در بحران اوکراین، روسیه زمان را برای بهره‌برداری از مناقشه قره‌باغ برای اعمال نفوذ بر جمهوری آذربایجان و جذب آن در اتحادیه اقتصادی اوراسیا مساعد می‌بیند (Idan, 2014). تحولات اوکراین محیط امنیتی را در منطقه قفقاز در تأثیر خود قرار داده است. باکو از یک سو نگران شکل‌گیری اعتراض‌های خیابانی با حمایت غرب در داخل کشور است. شبیه آنچه که در کی‌یف روی داد (Kuchins and Others, 2016: 18). از سوی دیگر به این برداشت رسیده است که روسیه تنها قدرت واقعی در منطقه است که در کنار توانایی‌هایش آماده اقدام نیز هست. همچنین تحریم اقتصادی روسیه توسط غرب جایگاه جمهوری آذربایجان به عنوان شریک اقتصادی روسیه در منطقه قفقاز را تقویت کرده و موجب افزایش روابط آن دو شده است.

نتیجه

روس‌ها حوزه اوراسیا را حیاط خلوت و حوزه نفوذ انحصاری خود می‌دانند و حضور بازیگران خارجی از جمله غرب را تهدیدی برای امنیت و منافع ملی خود می‌دانند. رویارویی غرب و روسیه برای تسلط بر حوزه اوراسیا به اوکراین محدود نیست و منطقه قفقاز نیز در این رویارویی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. روسیه معتقد است که مناقشه قره‌باغ در ناحیه‌ای رخ داده است که در ساختار نظام بین‌الملل چندقطبی متعلق به حوزه نفوذ کرملین است؛ در نتیجه این بحران فرصتی استثنایی برای روسیه است تا کرملین بتواند جای پای محکمی در منطقه داشته باشد. بحران قره‌باغ می‌تواند سبب ناامنی و کاهش اعتبار راهروی انرژی جنوبی باشد که هدف انتقال منابع انرژی دریای خزر و آسیای مرکزی به بازارهای جهانی را با دوردزدن روسیه در نظر دارد. همچنین زمینه‌ساز تداوم هژمونی روسیه بر بازارها و مسیرهای تأمین گاز اروپا باشد. از سوی دیگر این مناقشه به عنوان ابزاری برای به‌کارگیری نفوذ روسیه و

پیگیری هدف‌های ژئوپلیتیک این کشور نه تنها در قفقاز بلکه در قلمروهای جغرافیایی وسیع‌تری نیز عمل می‌کند.

جمهوری آذربایجان به واسطه موقعیت ژئواستراتژیک خود در راهبرد سیاست خارجی روسیه جایگاه خاصی دارد؛ زیرا این کشور با داشتن ذخایر هیدروکربنی فراوان به‌عنوان بزرگ‌راه اوراسیا و کشوری محوری در قفقاز و منطقه دریای خزر در صورت حرکت در مدار روسیه می‌تواند موجب جدایی میان غرب و آسیای مرکزی نیز شود. ترس جمهوری آذربایجان از بازی روسیه با کارت وضعیت سیاسی قره‌باغ، سد راه گرایش‌های غرب‌گرایانه باکو و نزدیکی وی به ناتو و اتحادیه اروپا شده است. مقام‌های باکو بر این باورند که استقبال از ناتو می‌تواند سرنوشتی مشابه گرجستان و اوکراین برای این کشور رقم بزند و به جدایی قره‌باغ از پیکره جمهوری آذربایجان بینجامد. به همین دلیل برخلاف گرجستان و اوکراین اعلام کرده‌اند که به عمیق‌شدن روابط با ناتو تمایلی ندارند. از سویی پایان بحران قره‌باغ می‌تواند به کاهش وابستگی ارمنستان به روسیه منجر شود و فرصت‌های جدیدی برای جمهوری آذربایجان فراهم کند. وابستگی ایروان به کرملین در حوزه سیاسی، اقتصادی و امنیتی به حدی است که کرملین بتواند منافع مردم و رهبران ارمنستان را فدای منافع خود کند؛ بنابراین تداوم این بحران تنها ناشی از پویش‌های درونی جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیست؛ بلکه پویش‌های فرامنطقه‌ای یعنی رقابت‌های روسیه و غرب برای گسترش حوزه نفوذ و منافع نظام امنیتی و اقتصادی روسیه را می‌توان از عوامل اصلی شدن مناقشه قره‌باغ دانست.

References

A) English

1. Abrahamyan, Eduard (2016), "Fighting in Nagorno-Karabakh and the Ineffectiveness of the Minsk Group", Apr. 27, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13355-fighting-in-nagorno-karabakh-and-the-ineffectiveness-of-the-minsk-group.html>, (Accessed on: 12/9/2016).
2. Babayan, Nelli and Thomas Risse (2015), "The Return of the Empire? Russia's Counteraction to Transatlantic Democracy Promotion in its Near Abroad", **Democratization**, Vol. 22, No. 3, pp. 438-458.
3. Balakishi, Samir (2016), "Eurasian Economic Union: Russia's New Foreign Policy in the South Caucasus", Available at: <https://www.msm.nl/resources/uploads/2016/09/MSM-WP2016-1.pdf>, (Accessed on: 12/9/2016).
4. Blank, Stephen (2014), "From Eurasia with Love", **The Journal of the National Committee on American Foreign Policy**, Vol. 36, No. 3, pp. 162-174.
5. Bock, Andreas M. and Ingo Henneberg (2013), "Why Balancing Fails?", Working Papers on International Politics and Foreign Policy, No. 1, pp. 1-19, Available at:

- http://www.jaeger.unikoeln.de/fileadmin/templates/publikationen/AIPA2_2013.pdf (Accessed on: 13/10/2015).
6. Boonstra, Jos (2015), "The South Caucasus and its Wider Neighbourhood", **FRIDE (a European Think Tank for Global Action)**, Available at: <http://www.cascade-caucasus.eu/wp-content/uploads/2015/09/Cascade-D8-Caucasus-Wider-Neighbourhood.pdf>, (Accessed on: 22/5/2016).
 7. Burak Gonca, Isa (2016), "Nagorno Karabakh: Armenia's Claims, Azerbaijan's Position, and the Peace Efforts", **E-International Relations**, Available at: <https://www.e-ir.info/2016/06/04/nagorno-karabakh-armenias-claims-azerbajians-position-and-the-peace-efforts/>, (Accessed on: 12/9/2016).
 8. Cornell, Svante E. (2016), "The Fallacy of Compartmentalisation: the West and Russia from Ukraine to Syria", **European View**, Vol. 15, No. 1, pp. 97-109.
 9. Cornell, Svante E., S. Frederick Starr and Mamuka Tsereteli (2015), "A Western Strategy for the South Caucasus", **Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program**, Available at: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/publications/1502Strategy.pdf>, (Accessed on: 22/5/2016).
 10. **Crisis Group** (2016), "The Eurasian Economic Union: Power, Politics and Trade", Europe and Central Asia Report, No. 240, Jul. 20, Available at: <https://www.crisisgroup.org/europe-central-asia/central-asia/eurasian-economic-union-power-politics-and-trade>, (Accessed on: 12/9/2016).
 11. De Maio, Giovanna (2016), "Russia's View of Ukraine after the Crisis", **Istituto Affari Internazionali**, Vol. 16, No. 4, pp. 1-21.
 12. Dibb, Paul (2016), **Why Russia is a Threat to the International Order**, Australian Strategic Policy Institute.
 13. **Freedom House** (2016), "Freedom in the World 2016", Available at: <https://freedomhouse.org/report-types/freedom-world>, (Accessed on: 12/9/2016).
 14. Hedenskog, Jakob and Kaan Korkmaz (2016), "The Interests of Russia and Turkey in the Nagorno-Karabakh Conflict", **RUFS Briefing**, No. 35, Available at: <https://www.foi.se/download/18.1b4084ea15549d027d14b79/1466509555042/RUFS+Briefing+No.+35+.pdf>, (Accessed on: 12/10/2016).
 15. Henderson, J. and T. Mitrova (2015), "The Political and Commercial Dynamics of Russia's Gas Export Strategy", **Oxford Institute for Energy Studies**, Available at: <https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wpcontent/uploads/2015/09/NG-102.pdf>, (Accessed on: 12/6/2015).
 16. Idan, Avinoam (2014), "Resurgence of the Nagorno-Karabakh Conflict - a Russian Move on the Ukraine Chessboard", Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13037-resurgence-of-the-nagorno-karabakh-conflict-a-russian-move-on-the-ukraine-chessboard.html>, (Accessed on: 12/6/2015).
 17. Jarosiewicz, Aleksander (2016), "In the Clutches of the Kremlin Azerbaijan's Security Policy", **Centre for Eastern Studies**, Available at:

- <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2016-09-14/clutches-kremlin-azerbajans-security-policy>, (Accessed on: 1/9/2016).
18. Kalb, Marvin (2015), **Imperial Gamble: Putin, Ukraine, and the New Cold War**, the Brookings Institution.
 19. Kasapoglu, Can (2016), “Is Armenia the Next Turkish-Russian Flashpoint?”, **The Washington Institute for Near East Policy**, Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/is-armenia-the-next-turkish-russian-flashpoint>, (Accessed on: 1/9/2016).
 20. Kubayeva, Gulaikhan (2015), “Economic Impact of the Eurasian Economic Union on Central Asia”, **Norwegian Institute of International Affairs**, Available at: http://osce-academy.net/upload/file/Policy_Brief_20.pdf, (Accessed on: 3/2/2016).
 21. Kuchins, Andrew, Jeffrey Mankoff and Oliver Backes (2016), “Azerbaijan in a Reconnecting Eurasia”, **Center for Strategic and International Studies**, Available at: <https://www.csis.org/analysis/azerbaijan-reconnecting-eurasia>, (Accessed on: 3/10/2016).
 22. Lavrov, Sergey (2013), “Speech and Answers to Questions of Mass Media during Joint Press Conference Summarizing the Results of Negotiations with Foreign Minister of Azerbaijan Elma Mammadyarov”, May 21, Available at: http://www.mid.ru/ru/maps/az/-/asset_publisher/0TeVwfjLGJmg/content/id/109246?p_p_id=101_INSTANCE_0TeVwfjLGJmg&_101_INSTANCE_0TeVwfjLGJmg_languageId=en_GB, (Accessed on: 12/9/2014).
 23. Mammadov, Farhad (2016), “The Armenia-Azerbaijan Nagorno-Karabakh Conflict as the Key Threat to Peace and Cooperation in the South Caucasus”, **Caucasus International**, Vol. 16, No. 1, pp. 157-171.
 24. McCabe, Thomas (2017), “The Russian Perception of the NATO Aerospace Threat: Could it Lead to Preemption?”, **Air and Space Power Journal**, Vol. 30, No. 4, pp. 64-77.
 25. Menkiszak, Marek (2016), “Russia’s Long War on Ukraine”, **Transatlantic Academy Paper Series**, Available at: http://www.transatlanticacademy.org/sites/default/files/publications/Menkiszak_RussiasLongWar_Feb16_web.pdf, (Accessed on: 3/11/2016).
 26. Oliker, Olga (2016), “Unpacking Russia’s New National Security Strategy”, **Center for International and Strategic Studies**, Jan. 7, Available at: <https://www.csis.org/analysis/unpacking-russias-new-national-security-strategy>, (Accessed on: 3/2/2016).
 27. Romashov, Vadim and Helena Rytovuori-Apunen (2017), “Russia’s Karabakh Policy: New Momentum in Regional Perspective”, **Caucasus Survey**, Vol. 5, No. 2, pp. 160-176.
 28. Schumacher, Tobias (2016), “Armenia, Azerbaijan and the Nagorno-Karabakh Conflict: Why the ‘Black Garden’ will not Blossom any Time Soon”, **Royal**

- Institute for International Relations**, No. 71, Available at: <http://www.egmontinstitute.be/content/uploads/2016/04/PB71.pdf?type=pdf>, (Accessed on: 11/10/2016).
29. Sonnleitner, Dominik (2016), "Russia's Backyard – Unresolved Conflicts in the Caucasus", **Politics in Central Europe**, Vol. 12, No. 1, pp. 83-94.
30. **Statistical Yearbook of Armenia 2015** (2015), "External Economic Activity", Apr. 26, Available at: <http://www.armstat.am/file/doc/99493858.pdf>, (Accessed on: 11/4/2016).
31. Strimbovski, Sabina (2016), "Azerbaijan's Balanced Foreign Policy Trapped in a Volatile Geopolitical Context", **Euro Polity**, Vol. 10, No. 1, pp. 121-134.
32. **The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation** (2016), "Foreign Policy Concept of the Russian Federation (Approved by President of the Russian Federation Vladimir Putin on 30 November 2016)", Available at: http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/2542248, (Accessed on: 21/6/2017).
33. Trenin, Dmitri (2014), "The Ukraine Crisis and the Resumption of Great-Power Rivalry", **Carnegie Moscow Center**, Available at: http://carnegieendowment.org/files/ukraine_great_power_rivalry2014.pdf, (Accessed on: 21/6/2017).
34. Walt, Stephen (1987), **The Origins of Alliances**, Ithaca, NY: Cornell University Press.

B) Persian

1. Daneshnia, Farhad and Mehri Marabi (2016), "The Constructivist Confrontation of Russia and USA in Ukraine", **Central Eurasia Studies**, Vol. 9, No. 2, pp. 175-432.
2. Deheshiar, Hosein (2015), "Internal Faults, Historical Tensions, Geopolitical Logic of Power and Confrontation for the Crimean Peninsula", **Strategic Research of Politics**, Vol. 3, No. 9, pp. 179-201.
3. Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal and Manochehr Moradi (2016), "Western Threats, Russia's Perception and the Ukraine Crisis", **International Relations**, Vol. 2, No. 8, pp. 25-55.
4. Karamzadi, Moslem and Fahimeh Khansari-fard, (2015), "The Study of Ukraine-Russia Relations: Roots of the 2014 Crisis", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 20, No. 86, pp. 135-159.
5. Koolae, Elaheh and Azadeh Allahmoradi (2012), "Russia's Energy Policy in Central Asia", **Strategy**, Vol. 61, No. 20, pp. 31-56.
6. Mirfakhraee, Seyed Hasan (2016), "Geo-Economic Occasions for Iran after Eurasian Economic Union Formation", **Studies of International Relations**, Vol. 8, No. 32, pp. 143-175.

7. Vosooghi, Saeed and Mostafa Kheiri (2016), “Ukraine: the Arena of Confrontation between the West and Russia”, **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 22, No. 94, pp. 133-158.